

Iran Press Watch فارسی

ثبت تعقیب و آزار جامعه بهائیان ایران با ارائه اسناد و مدارک

RSS FEED EMAIL UPDATES TWITTER

HOME / FEATURED POSTS / MEDIA / COMMENTSUNCATEGORIZED /



حکومت ایران، نه یاران، در دادگاه افکار عمومی جهان محاکمه میشوند

January 17th, 2010

دریافت نسخه پدیداف

کریستوفر باک

«بمبار داریم، زیرا بی‌معنی است.» (تناقض تر تولیان)[1]

◀ Previous: از زندانی های بهایی دفاع کنیم

Next: ▶ محکومیت یک شهروند بهایی به 3 سال حبس

Email to a friend

Post on Facebook

Print This Post

بعد از چندین بار که تاریخ محاکمه تعیین شد، اینک ایران تاریخ دادرسی یاران ایران را برای 12 ژانویه 2010 (22 دیماه جاری) تعیین کرده است.

[تبصره: اولین محاکمه برگزار شد که اساساً عبارت از قرائت اتهامات، و مشخص کردن این مطلب بود که بهائیان دارای وکیل هستند، که آنها اشاره کرده‌اند که دارند، گو این که اولین وکیلشان، برنده جایزه نوبل، خانم شیرین عبادی، عملاً در تبعید به سر می‌برد و دومین وکیل ایشان، عبدالفتاح سلطانی دو مرتبه به زندان افتاده است. نگاه کنید به: اینجا]

در جایی که بهائیان ستم‌دیده به نام عدالت، تحت نظام بی‌عدالتی نظامنامه‌ای، مورد اذیت و آزار قرار می‌گیرند، محاکمه یاران ایران به مسخره گرفتن عدالت است.

این محاکمه پشت درهای بسته فقدان آشکار شفافیت است. وجه مشخصه فرایند دادرسی همانا فقدان جریان صحیح و مناسب برای متهمان است. بنابراین، ایران در محاکمه یاران ایران، خودش را در دادگاه افکار بین‌المللی به دادرسی می‌کشد.

تناقض تر تولیان، که در سرلوحه بالا نقل شد، می‌تواند توصیف منصفانه دادرسی غیرمنصفانه چشمگیر نمایشی پنج مرد و دو زن – معروف به یاران ایران – باشد که قرار است هفته آینده، با اتهامات کیفری جاسوسی و سایر اتهامات خیانت‌آمیزی که هر یک از آنها به تنهایی برای صدور حکم اعدام کافی است، محاکمه شوند.

یاران، در هیأتی غیررسمی برای نظارت و رسیدگی به نیازهای جامعه سیصد هزار نفری بهائی ایران خدمت می‌کردند؛ در سال 1983، که حکومت ایران، با تهدید به اتهامات کیفری، اعلام کرد نظام اداری و سازمانی بهائی باید منحل گردد و از فعالیت باز ماند، آزادی جمعی دینی جامعه مزبور عجلانه سلب گردید.

در سنت بهائی اصلاحات با «اطاعت مدنی» – نه «نافرمانی مدنی» – محفل روحانی ملی بهائیان ایران (هیأتی متشکل از نه زن و مرد که به طور دموکراتیک انتخاب می‌شود) رسماً خود و همراه با آن بقایای نظام اداری بهائی ایران را منحل کرد. این پذیرش و تسلیم، اقدام نمایشی اعتراض‌آمیزی بود.

یاران ایران مدتی متجاوز از یک سال و نیم، بدون دسترسی به وکیل برجسته مدافع خود، برنده جایزه نوبل سال 2003، خانم شیرین عبادی، که شخص او در صورت مراجعت به ایران با اذیت و آزار بیشتر و دستگیری احتمالی روبرو است، در زندان مخوف اوین در رنج و عذاب بوده‌اند.

در دانشکده حقوق، برگزار کردن «محاکمه ساختگی» برای «تمرین محاکمه» توسط دانشجویان، امری عادی است. امروز، اصطلاح «محاکمه ساختگی» را می‌توان برای محاکمه‌ای نیز به کار برد که دارای تمامی نشانه‌ها و نمایش ظاهری محاکمه را داشته باشد، و با این همه تمسخر عدالت هم باشد. چرا این محاکمه تمسخر عدالت و یکی از مواردی است که وجدان قضایی را تکان می‌دهد؟

این شش عامل را در نظر بگیرید: (1) دروغین بودن اتهامات، (2) فقدان جریان مناسب و مقتضی، (3) محرومیت از وکالت منصفانه، (4) مجازات ظالمانه و غیرمعمول، (5) سلب حقوق مندرج در قانون اساسی ایران، و (6) نقض حقوق بشر

Comments Add your comment below...

مندرج در قانون بین‌الملل.

1- دروغین بودن اتهامات

نظام کیفری ایران آنچه را که می‌تواند “استدلال پوشالی” علیه یاران باشد، عرضه کرده است. با این همه، آدم پوشالی و آلت دست ایران چیزی جز لولوی سر خرمن نیست.

اتهاماتی که علیه یاران ایران مطرح شده در کتاب ادیب معصومیان، به نام *افسانه‌های بی‌اعتبار: درباره نظریه‌های دسیسه در خصوص ولادت و رسالت امر بهائی [2]*، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته، که اهم موارد آن در اینجا نقل می‌گردد.

الف – جاسوسی برای اسرائیل

بهائیان به جاسوسی برای اسرائیل و بنابراین ایجاد مانع برای قدرت رژیم حاکم بر ایران متهم شده‌اند. نظریه‌پردازان دسیسه، وقتی با مطالبه شواهد برای این ادعا روبرو می‌شوند، معمولاً خاطر نشان می‌سازند که بیشتر اماکن متبرکه و مراقد مقدسه امر بهائی در اسرائیل واقع شده است. آنها این مطلب را به عنوان سند مسلم و غیر قابل انکاری مطرح می‌کنند که بین نهضت صهیونیسم و امر بهائی پیوندهای سیاسی وجود دارد و همیشه وجود داشته است. متأسفانه، این نظریه‌پردازان یا از تاریخ مربوط به محل این اماکن و مراقد مربوط به امر بهائی ناگهاند یا عمداً آن را پنهان می‌دارند.

استقرار مراقد بهائی در اسرائیل امروز، نتیجه تبعید اجباری حضرت بهاءالله در اثر صدور احکام توسط دو حاکم و سلطان مسلمان است. ابتدا، در سال 1853، ناصرالدین شاه حضرت بهاءالله را از ایران به بغداد در امپراطوری عثمانی نفی بلد کرد. ده سال بعد، ناصرالدین شاه، که از نفوذ روزافزون حضرت بهاءالله در مجاورت مرزهای ایران در هراس بود، از سلطان عبدالعزیز، امپراطور عثمانی، تقاضا کرد حضرت بهاءالله را به مناطقی بفرستد که از ایران دور باشد. امپراطور ابتدا حضرت بهاءالله را به استانبول دعوت کرد و سپس، ظرف چهار ماه، ایشان را در سال 1863 به ادرنه تبعید کرد و سپس در سال 1868 به عکا فرستاد. در آن زمان، عکا، در واقع، بخشی از منطقه فلسطینی سوریه بود. حضرت بهاءالله نهایتاً در 29 مه 1892 در عکا درگذشتند.

بعد از درگذشت ایشان، پسر حضرت بهاءالله، که به “عبدالبهاء” شهرت دارند، رهبری دین مزبور را تا زمان درگذشت، یعنی 1921، به عهده گرفتند. جسد ایشان در حیفا، در جایی که آن زمان فلسطین بود، به خاک سپرده شد. یکی دیگر از شخصیت‌های مهم برای بهائیان که امروز در اسرائیل مدفون است، حضرت باب است که جسد ایشان در سال 1899 مخفیانه به فلسطین منتقل و در سال 1909 در حیفا در آرامگاه ابدی‌اش مستقر شد. اسرائیل در سال 1948، تقریباً 60 سال بعد از درگذشت حضرت بهاءالله، 49 سال بعد از آوردن جسد حضرت باب به منطقه، و 27 سال بعد از درگذشت حضرت عبدالبهاء، ایجاد شد. به این ترتیب، این اتهام که پیوندهای بین بهائیان و حکومت اسرائیل بر اساس محل قرار گرفتن مراقد بهائی است بدون اعتناء به شرایط تاریخی منجر به ایجاد اینیه مقدسه مزبور در جایی که آن زمان فلسطین در منطقه سوریه یا شام بود، بیان می‌گردد.

بهائیان، در مقابل، این نکته را نیز مطرح می‌کنند که تعداد بی‌شماری از اماکن مقدسه اسلامی و مسیحی نیز در کشور اسرائیل قرار دارد، اما وجود این اماکن ابداً دال بر آن نیست که مسلمانان و مسیحیان عوامل اسرائیل یا صهیونیسم بین‌الملل‌اند.

ب – اهانت به مقدسات دینی

حکومت ایران، در وارد آوردن این اتهام، اساساً هفت تن مزبور را به اهانت به اسلام متهم کرده است. اما، مبادرت به چنین کاری یکی از عناصر اصلی آموزه‌های بهائی را نقض می‌کند و آن احترام و تکریم نسبت به کلیه ادیان عمده گذشته عالم (به علت وحدت ذاتی آنها)، از جمله اسلام است. به علاوه، اسلام دیناتی است که دو دیانت بانی و بهائی از آن برخاستند؛ در واقع دیانت مادر محسوب می‌شود. هفت تن مزبور چه دلیلی می‌توانستند داشته باشند که به دیانتی که احترامی آنقدر عظیم برای آن قائلند، بی‌حرمتی نمایند؟

احترامی که بهائیان برای اسلام قائلند ریشه‌های محکمی در آثار رهبران آن دارد. مثلاً، حضرت بهاءالله، شارح امر بهائی، اسلام را در موارد متعدّد تجلیل فرموده‌اند.

ذیلاً نمونه‌ای ذکر می‌شود که حضرت بهاء‌الله به تجلیل حضرت محمد و آل او پرداخته، نقش اسلام در تاریخ دینی را تمجید می‌فرمایند:

و الصَّلوة و السَّلَام علی مَنْ ابْتَسِمَ بظهوره [حضرت محمد] نَغْر البطحاء [مکه] و تعطر بنفحات قمیصه کلّ الوری الذی اتی لحفظ العباد عن کلّ ما یضرهم فی ناسوت الإیشاء. تعالی تعالی مقامه عن وصف الممکنات و ذکر الکاننات. به ارتفع خباء النظم فی العالم و علم العرفان بین الأمم؛ و علی آله و أصحابه الذین بهم نُصِبت رِایات التّوحد و أعلام النّصر و التّقرید و بهم ارتفع دین الله بین خلقه و ذکرة بین عباده. (لوح مقصود، دریای دانش، ص13)[3]

حضرت شوقی افندی، ولی امر بهائی و نبیره حضرت بهاء‌الله، جامعه بهائی را به تصحیح دیدگاه‌های نادرست درباره اسلام توصیه فرمود:

عموماً، در مغرب‌زمین سوءتفاهمات زیادی درباره اسلام وجود دارد که باید سعی کنید آنها را زائل سازید. اما، وظیفه شما کاری نسبتاً مشکل و مستلزم دانش و تبحر زیاد است. وظیفه اصلی شما آشنا ساختن احبّاء با تعالیم اصیل و بی‌پیرایه حضرت رسول که در قرآن کریم ذکر شده و سپس تأکید بر این مطلب است که چگونه این تعالیم، در طول قرون و اعصار متوالی، در سیر تحول و ترقی انسان مؤثر بوده، بلکه آن را هدایت کرده است. به عبارت دیگر، باید منزلت و اهمیت دیانت اسلام در تاریخ تمدن را مبرهن سازید. (ترجمه - انوار هدایت، شماره 1664)

بسیاری از مؤلفین بهائی، بر این مبنی، در انتشارات محققانه خود ابتکار عمل را به دست گرفته‌اند. موارد زیر از جمله عناوین قابل توجه به زبان انگلیسی است:

استنود کاب (1963)، تأثیرات اسلام در مدنیت، Murfreesboro, Tennessee: Avalon Press. این اثر را می‌توانید در <http://arthursclassiconovels.com> بیابید. <http://arthurs/islam/contributions10.html>

حسن موقر بالیوزی (1976)، محمد و دور اسلام، آکسفورد، انگلستان: مطبعه جورج رونالد

موژان مؤمن (1985)، مقدمه‌ای بر مذهب شیعه اسلام، آکسفورد، انگلستان، مطبعه جورج رونالد

کریستوفر باک (2006)، "اکتشاف" [قرآن]. ضمیمه بلکول بر قرآن. ویرایش اندرو ریپین (آکسفورد: بلکول، 2006)، صفحات 18-35 [the Qur'an]. "Discovery" The Blackwell Companion to the Qur'an. Edited by Andrew Rippin

بنابراین، واضح و مبرهن است که احترام به اسلام در جامعه بهائی بسیار زیاد است؛ لذا، نسبت دادن اتهام تحقیر و اهانت به اسلام، به هر طریقی، به هفت نفر از برجسته‌ترین اعضاء این جامعه در ایران، که همگی از مدیران سابق این جامعه بوده‌اند، کاری غیرمنطقی است.

ج - تبلیغات علیه جمهوری اسلامی

مبادرت به این کار نافی یکی دیگر از اصول امر بهائی است؛ یعنی این که بهائیان باید در کمال وفاداری و احترام نسبت به حکومت کشوری که در آن سکونت دارند، عمل نمایند.

این حزب در مملکت هر دولتی ساکن شوند، باید به امانت و صدق و صفا با آن دولت رفتار نمایند. **هَذَا مَا نُزِّلَ مِنْ لَدُنْ أَمْرِ قَدِيمٍ.** (بشارت پنجم از لوح بشارت، مجموعه الواح طبع مصر، ص118)

البته این مستلزم آن نیست که بهائیان باید از سیاست‌های سخت‌گیرانه صادره از حکومتی ستمگر حمایت و دفاع نمایند، زیرا حضرت بهاء‌الله در جای دیگر می‌فرمایند، "أحبُّ الأشياءِ عندی الإنصاف." اما این بهائیان را منع می‌کند که علناً علیه رژیم ایران، به آن طریق که ایشان را متهم کرده‌اند، به تبلیغ پردازند.

وقتی موضوع دولت حاکم مطرح باشد، موضع بهائیان کاملاً روشن است: بهائیان نباید آشکارا از آن بدگویی کنند. اما، این بدان معنی نیست که، صرفاً به این دلیل که وظیفه اخلاقی بهائیان اطاعت از قانون موجود و حاکم است که آنها تحت سیطره آن هستند، اقدامات غیرمنصفانه و ناعادلانه حکومت بی‌نقص و غیر قابل انتقاد است.

د - نصرت، تبلیغ و اشاعه دیانت بهائی در ایران (یا "افساد در ارض")

این اتهام ابتدا که مدیران سابق جامعه بهائی دستگیر شدند به آنها وارد نشد، بلکه در 27 آوریل 2009 مطرح گردید، و جدی‌ترین و وخیم‌ترین موردی است که در فهرست اتهامات جای دارد زیرا سابقه تاریخی آن با مجازات مرگ همراه است.

جفری کمرون Geoffrey Cameron مقاله‌ای عالی در رابطه با این اتهام بخصوص دارد که ایران پرس وچ انتشار داده است. او در این مقاله به تحلیل معناشناسی، سابقه تاریخی، و اهمیت مذهبی عبارت "مفسد فی الأرض" می‌پردازد. (نگاه کنید به

<http://www.iranpresswatch.org/post/2737> که با عنوان On Mofsed

fel-arz – Spreading Corruption on Earth [4] درج شده است.)

وجه مشترک این چهار اتهام در آن است که برای اثبات هیچیک از آنها هیچ سند و مدرک و شواهدی، هر چه که باشد، ارائه نشده است. این موارد صرفاً توسط مقامات ایرانی، بدون هیچ زمینه یا سند و مدرک قابل طرح در هر دادگاه حقوقی جهت اثبات این ادعاها، مطرح شده است.

2- فقدان جریان مناسب و مقتضی

جریان مناسب و مقتضی، وقتی عملاً وجود نداشته باشد، مسأله لاینحل است. تظاهر به جریان مناسب و صحیح در واقع عدم جریان مناسب، و بنابراین مضحکه تشریفات کیفری و دادرسی است. این بی‌اعتنایی فاحش و علنی به حقوق متهمان، فی نفسه، ویژگی کیفری نظام قضائی کیفری ایران است.

3- محرومیت از وکالت منصفانه

شیرین عبادی، وکیل مدافع، نه تنها از ملاقات با موکلان خود، یعنی یاران ایران، ممنوع شده، بلکه عملاً از مراجعت به ایران با حفظ امنیت و ایمنی خود، باز داشته شده است. باید انصاف داد که، بعد از جلوگیری از حضور شیرین عبادی، و دومین وکیل یاران ایران، یعنی عبدالفتاح سلطانی (که دو مرتبه زندانی شده) در محاکمه یاران، ها، دادگاه ایران به یاران اجازه داده که از وکیل مدافع دیگری طبق آخرین گزارش استفاده نمایند. اما، هیچ ناظری اجازه نیافت در تاریخ 12 ژانویه 2010 در دادگاه حضور یابد و به این وسیله یکی از ابعاد مسئولیت از تشریفات متداول حذف گردید. اعضاء خانواده متهمان و ارباب مطبوعات نیز به اطاق دادگاه اذن حضور نیافتند، شدگویی چیزی در روش کار باید مخفی نگه داشته می

4- مجازات ظالمانه و غیر معمول

"طبق اصل عمومی حقوقی،" مجازات متناسب با جرم باشد ابتدا باید جرم را اثبات کرد و سپس مجازات باید متناسب به شدت جرم تعیین (Culpa poenae par esto)، گردد. به این ترتیب شکوائیه جرم و شدت "عدالت" کیفری باید با هم متناسب باشند

در همان زمان، دولت ایران مسئولیت دارد که ثابت کند یاران ایران عملاً اسرار دولت ایران را به اسرائیل، یا، اکنون، به امریکا، انتقال داده‌اند. وقتی پیگیری رسمی روز 12 ژانویه 2010 اعلام گردید، اتهامات شامل "جاسوسی برای امریکا و اسرائیل، اقدام علیه امنیت ملی و [اقدام به] تبلیغ علیه نظام [جمهوری اسلامی]" بود. (نگاه کنید به گوید بهائیان باید نبرته شوند" که متن انگلیسی آن در 13 مقاله "شیرین عبادی می رسد که اتهام جاسوسی ژانویه 2010 در ایران پرس وچ درج گردید.) به نظر می برای امریکا به اتهام پیشین که جاسوسی برای اسرائیل بود، افزوده شده است. اینگونه اتهامات محتمل نیست که در سطح شواهد و مدارک به جایی برسد. نظام قضایی اسرارآمیز ایران باید کاری بیشتر از صرفاً متهم کردن یاران به جاسوسی انجام دهد. ادعا کردن به منزله اثبات نیست. صرف تماس گرفتن تنها برای اثبات جاسوسی کافی نیست. اگر به یاران نشان داده میشد که با بیت‌العدل اعظم در مرکز جهانی بهائی در کوه کرمل در حیفا، اسرائیل، ارتباط دارند، حداکثر "گناه ارتباط" مطرح میشد

و اما در مورد اتهام جدید جاسوسی برای امریکا، هرگونه تماسی مستقیمی بین یاران و محفل روحانی ملی بهائیان ایالات متحده امریکا فوق‌العاده غیرمحمول است، زیرا هیچ دلیل اداری برای چنین کاری مطلقاً وجود ندارد. این اتهام خاص، مانند تناقض تروتولیان، در ذهنیت رژیم ایران "قابل قبول و باور" است زیرا بی‌معنی است. علیرغم آن که مقامات ایرانی سر سوزنی سند و مدرک عرضه نکرده‌اند که نشان دهد متهمان

اسرار دولتی را پنهانی به اسرائیل یا امریکا فرستاده‌اند، اتهامات را می‌توان به عنوان طرح نظریه‌های ایرانی دسیسه درباره امریکا (همچنین معروف به “شیطان بزرگ”) و اسرائیل (و نیز مشهور به “شیطان کوچک) تحلیل نمود که اینک بر متهمان بهائی تحمیل می‌گردد. و اظهارات جدید دولت که یاران پنهانی اسرار دولتی ایران را به ایالات متحده داده‌اند، سادملوحی را به صفت “بی‌معنی” می‌افزاید. در فقدان چنین سند و مدرکی، اتهامات صرفاً طرحی بی‌پایه و اساس، همچون بنایی پوشالی، است که باید فرو ریزد.

اما فرض کنید که دولت در اثبات تماس‌های مهم و چشمگیر بین یاران و اسرائیل و امریکا توفیق یافت. تحت این فرضیه فوق‌العاده غیرمحمتمل، اگر شواهد دولت صرفاً نوعی تماس بین یاران و بیت‌العدل اعظم در مرکز جهانی بهائی در حيفا را ثابت نماید، و نه انتقال عملی اسرار دولتی به دولت اسرائیل را، مجازات مرگ ظالمانه و غیرمعمول است. اتهاماتی از این قبیل، و شواهدی که این اتهامات بر پایه آنها استوارند، صرفاً دستاویزی برای مجازات اعدام (یا زندان ابد، به عنوان حکم جایگزین) خواهد بود. در هر صورت، بنا به گفته شیرین عبادی، “پرونده را من خوانده‌ام و متأسفانه یا خوشبختانه هیچ دلیلی بر بز هکاری و اثبات اتهاماتی که دادستان ادعا می‌کرد، در پرونده وجود ندارد.” (نگاه کنید به مقاله “شیرین عبادی می‌گوید بهائیان باید تبرئه شوند” که متن انگلیسی آن در 13 ژانویه 2010 در ایران پرس واج درج گردید.)

5- سلب حقوق مندرج در قانون اساسی ایران

بهائیان ایران به طور اعم، و یاران ایران به طور اخص، از حقوقی که در اصل‌های 19، 20، 23، 26، 28، 29، 30، 32، 37 و 38 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پیش‌بینی شده محروم شده‌اند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر از شعارهای حقوق بشر است. با این همه، همه آنها مشروط به “انطباق با موازین اسلامی” است که می‌تواند هر یک از تضمین‌های قانون اساسی را که در این سند دوپهلوی آورده شده، نقض نماید. بدین معنی:

اصل 19 می‌گوید، “مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.” مگر برای بهائیان.

اصل 20 اعلام می‌کند، “همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.” غیر از بهائیان.

اصل 23 تصریح می‌کند، “تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمیتوان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مآخذه قرار داد.” مگر برای بهائیان.

اصل 26 گویای آن است که، “احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهور اسلامی را نقض نکنند. هیچکس را نمیتوان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.” مگر برای بهائیان، که اعضاء یکی از “اقلیت‌های دینی شناخته شده” نیستند بنابراین مستثنی می‌شوند.

اصل 28 وعده می‌دهد، “هر کس حق دارد شعلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.” غیر از بهائیان.

اصل 29 تأکید می‌کند، “برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشتگی، بیکاری، پیری، ازکارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی. دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای يك افراد کشور تأمین کند.” مگر برای بهائیان.

اصل 30 گویای آن است که، “دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا

سر حد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش می‌دهد. ” مگر برای بهائیان. اصل 32 امر می‌کند، ” هیچکس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود. ” مگر برای بهائیان.

متأسفانه، یاران ایران، الآن بیش از یک و نیم سال است که در زندان مخوف اوین، بدون دسترسی به وکیل مدافع نامدار خود، برنده جایزه نوبل، شیرین عبادی، که از هر گونه تماس با موکلانش ممنوع و فاقد اجازه مطالعه پرونده‌شان است، در رنج و عذابند. با توجه به اظهارات آیت‌الله درّی نجف‌آبادی، یاران ایران به جای آن که، طبق ماده 37 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که می‌گوید، ” اصل، برانت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد، ” بی‌گناه تلقی شوند گناهکار محسوب می‌گردند، گویی این اصل نیز بهائیان و یاران را مستثنی می‌سازد.

ماده 38 فرمان می‌دهد، ” هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود. ” مگر برای بهائیان و به استثنای یاران ایران.

6- نقض حقوق بشر مندرج در قانون بین‌الملل

غیر از این واقعیت که بهائیان ایران به طور اعم، و یاران ایران به طور اخص، از حقوقی که طبق اصل‌های 19، 20، 23، 26، 28، 29، 30، 32، 37 و 38 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به آنها تعلق دارد محرومند، موارد مصرّح و واضح نقض حقوق بشر که در قانون بین‌المللی پیش‌بینی شده نیز مشهود است.

اولین قانون بین‌المللی مرتبط عبارت از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که در دسامبر 1966 تنظیم و برای امضاء، صحت گذاشتن و دستیابی عرضه گردید، در ژوئن 1975 به صحت ایران رسید، و در مارس 1976 تنفیذ گشته به مرحله اجرا در آمد. در ژانویه 2008 تعداد 161 کشور بر میثاق مزبور صحت گذاشته بودند. اگرچه حکومتی که در زمان تأیید و پذیرش این قانون توسط ایران در انقلاب اسلامی سال 1979 سرنگون گردید، اما جمهوری اسلامی ایران، دولت جانشین امضاء کننده میثاق، هرگز امضاء خود بر این میثاق را پس نگرفت، و هیچ اعلامیه یا ابراز نارضایتی درباره هیچیک از عبارات آن صادر نکرد. به این ترتیب، جمهوری اسلامی ایران کاملاً متعهد به اجرای کلیه شرایط مندرج در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است. اصل نهم حاکی از آن است که:

1- هر کس حق آزادی و امنیت فردی دارد. هیچکس نباید تحت بازداشت و یا دستگیری خودسرانه قرار گیرد. هیچ کس نباید از آزادی خود محروم شود مگر در صورتی که قانون و مقررات آئین دادرسی حکم کند.

2- هر کسی که دستگیر می‌شود باید در زمان بازداشت، دلایل دستگیری به اطلاع او رسانده شود و (نیز) باید بدون درنگ هر اتهامی که علیه او وجود دارد، به اطلاعش رساند.

3- هر کسی که به اتهام جرمی دستگیر و یا بازداشت می‌گردد، باید بی‌درنگ در مقابل قاضی یا دیگر مقام مجازی که بوسیله قانون، قدرت قضائی را اعمال میکند، آورده شود و شایسته است که در مدت معقوله دادرسی شود و یا آزاد گردد. نباید بازداشت و انتظار دادرسی افراد بصورت قاعده عمومی و کلی درآید، ولی در هر مرحله از رسیدگی قضائی، (متهم) ممکن است با تضمین آزادی (موقت) جهت حضور در دادگاه و به اقتضای حکم دادگاه موکول گردد.

4- هر کسی که بموجب دستگیری و یا بازداشت، از آزادی اش محروم می‌گردد، حق دارد روند دادخواهی را بدین منظور که دادگاه بدون تاخیر در مورد غیر قانونی بودن بازداشتش تصمیم گیرد، دنبال نماید تا اگر بازداشت او غیر قانونی است (قاضی) دستور به آزادی او دهد.

5- هر کس که قربانی دستگیری و یا بازداشت غیر قانونی شده است، حق

جبران خسارت دارد.

در اینجا، یاران ایران در معرض دستگیری و بازداشت خودسرانه هستند، و در زمان دستگیری دلایل بازداشت آنها اعلام نشده است. اتهامات یاران نیز بلافاصله به آنها ابلاغ نشده است. یاران بلافاصله به حضور قاضی نیز برده نشده‌اند.

ماده دهم میثاق مزبور نکات دیگری را مطرح می‌کند:

1- تمام افرادی که آزادی آنها سلب می‌گردد (زندانیان) باید با آنها با انسانیت و احترام که حقیقت ذاتی شخص انسان است، رفتار شود.

2- الف- به جزء موارد استثنائی، افراد متهم باید از محکومین جدا نگاه داشته شوند و می‌بایستی مشمول رفتار جداگانه ای، متناسب با وضعیت افراد غیر محکوم شوند.

در اینجا یاران ایران از اشخاص محکوم جدا نگه داشته نشدند و با آنها رفتار متناسب با وضعیت افراد غیر محکوم معمول نگردید. به ماده 14 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی توجه کنیم که جزئی از آن می‌گوید:

1- همه افراد در مقابل دادگاه‌ها و دیوان‌های دادگستری (از حقوق) برابر برخوردارند. در امور تصمیم‌گیری هر اتهامی علیه فرد و یا (علیه) حقوق و تعهدات مدنی او، هر کس باید حق داشته باشد که (اتهامات او) بوسیله یک دادگاه قانونی، صلاحیت دار، مستقل و بیطرف، بطور منصفانه و علنی، رسیدگی شود. مطبوعات و افکار عمومی ممکن است از تمام و یا قسمتی از دادگاه بدلائل اخلاقی، نظم عمومی و یا امنیت ملی در یک جامعه مردم سالار منع شوند. وقتی مصلحت زندگی خصوصی طرفین دعوی اقتضا کند و یا تا حدی که دادگاه در شرایط خاصی علنی بودن (جلسات) را زیان آور به مصالح دادگستری بداند، (محرمانه بودن جلسات دادگاه در تمام و یا قسمتی از دادرسی) امکان دارد، اما حکم صادره در امور کیفری و یا مدنی باید علنی باشد مگر آنکه مصلحت افراد جوان ایجاب نماید و یا روند دادرسی، مربوط به اختلافات زناشویی یا سرپرستی اطفال باشد.

2- هر کس که به ارتکاب جرمی متهم شده است این حق را دارد که بیگناه فرض شود تا مگر جرم او برطبق قانون ثابت شود.

3- در مورد قطعی شدن جرم علیه فرد، هر کس حق دارد که با تساوی کامل، از حداقل حقوق تضمین شده زیر برخوردار گردد.

الف - بیدرنگ و به تفصیل با زبانی که او بفهمد، (باید) از نوع و علت اتهامی که به او نسبت داده شده است، آگاه گردد.

ب - وقت و تسهیلات کافی جهت تهیه دفاعیه خود و گفتگو با وکیلی که خود انتخاب کرده است، داشته باشد.

ج - بدون تاخیر غیرموجه، دادگاهی شود.

د - در حضور خودش محاکمه شود. شخصا از خود دفاع نماید و یا از طریق وکیلی که خود انتخاب کرده است (از خود دفاع کند).

4-

5- هر کس که مجرم شناخته می‌شود مطابق قانون (باید) حق داشته باشد که مجرمیت و محکومیت او بوسیله یک دادگاه عالیتر مورد تجدید نظر قرار گیرد.

در اینجا یاران ایران، تا کنون، از "محاکمه منصفانه توسط دادگاه قانونی، صلاحیت دار، مستقل و بی‌طرفی" که طبق قانون بین‌الملل استحقاقش را دارند، محروم بوده‌اند. در هر صورت، یاران ایران حق دارند که "بدون تاخیر غیرموجه، دادگاهی شوند." به جای آن، هفت متهم مزبور یک سال و نیم از زندگی گرانبهایشان را در زندانی مخوف، در معرض انواع گوناگون سوء رفتار، سپری کردند. ماده 15 چه می‌گوید؟

1- هیچکس را نباید بواسطه انجام عملی و یا ترک آن که بنا بر قوانین ملی و یا بین‌المللی جرم نبوده است در آن واحد محکوم نمود. همچنین نباید هیچ مجازات شدیدی را از آنچه در زمان ارتکاب جرم قابل اجرا بوده است، تعیین نمود. اگر پس از ارتکاب جرم مقررات قانونی دیگری وضع شود که مجازات ملایمتری را در بر داشته باشد، مجرم باید از آن مقررات استفاده نماید.

2- هیچیک از مقررات این ماده نباید با دادرسی و مجازات شخصی که در هنگام انجام عملی یا ترک آن، بنا بر اصول کلی قوانین شناخته شده جامعه ملل، جرم نیست، منافات داشته باشد.

در اینجا، طبق این ماده قانون بین‌المللی که ایران از جمله امضاء کنندگان آن است، ایران این مسئولیت را دارد که ثابت کند یاران ایران مرتکب عمل، یا اعمالی، شده‌اند که “طبق قوانین ملی یا بین‌المللی، در زمان ارتکاب، جرم بوده است.”

برای اجرای این کار، روال متداول برای تعقیب قضیه کیفری مطرح کردن “عناصر” عمل یا اعمال کیفری است که طبق آن افراد مرتکب متهم می‌شوند. دولت باید دلایلی ارائه نماید که هر یک از عناصر لازم را تأمین نماید که، با هم، عمل یا اعمال کیفری خاصی را تشکیل دهند.

سایر موازین بین‌المللی نیز در این مورد مصداق دارد، اما لزوم رعایت اختصار نه اجازه نقل آنها را می‌دهد نه امکان تحلیل آنها را فراهم می‌آورد. همین قدر کافی است گفته شود که اطاعت ایران از قانون بین‌المللی همان است که در اینجا “محاکمه می‌شود.”

کلام آخر

ایران نه تنها در طی محاکمه یاران ایران بنفسه تحت محاکمه است، بلکه خود اسلام ایرانی نیز در دادگاه افکار عمومی و بین‌المللی به محاکمه کشیده می‌شود. به عبارت دیگر، این محاکمه تلاشی سؤالاتی از این قبیل را مطرح می‌کند:

- آیا اسلام ایرانی عادلانه است؟
- گرای مطلوبی است؟ آیا اسلام ایرانی حکومت
- آیا اسلام ایرانی واقعاً مدافع “صلح” است؟
- آیا اسلام ایرانی واقعاً مدافع “عدالت” است؟
- آیا اسلام ایرانی مدافع “جریان مناسب و مقتضی” طبق قانون است؟
- کند؟ آیا اسلام ایرانی “آزادی دین و عقیده” را تضمین می
- المللی با اتفاق آراء تعریف کرده، حفظ و المللی طی قانون بین‌المللی اسلام ایرانی “حقوق بشر” را آنچنان که جامعه بین کند؟ حمایت می

نتیجه این محاکمه هر چه که باشد، به ایران می‌توان اطمینان داد که شهرت اسلام ایرانی فی نفسه در خطر است. حکومت ایران، بر حسب منافع روشنگرانه خود و بنا به مصلحت حسن شهرت اسلام ایرانی، بهتر است تعقیب کیفری در این محاکمه را شفاف سازد، و با روال کیفری ایرانی هماهنگ باشد. اما آیا دستاوردی قانونی به نام “روال کیفری ایرانی” وجود خارجی دارد؟

از خوانندگان عزیز تقاضا می‌کنم اطلاعاتی را درباره روال کیفری ایرانی برای من ارسال دارند، تا، در حین پیشرفت جریان محاکمه، بتوانم اظهارات و ملاحظاتی را بیان نمایم که آیا این محاکمه، طبق موازین قضائی خود ایران، “منصفانه” هست یا خیر.

ایران با به محاکمه کشیدن یاران ایران، نه تنها خود را در دادگاه افکار بین‌المللی و عمومی به محاکمه کشیده، بلکه اسلام ایرانی را نیز در معرض محاکمه قرار داده است. این سبب این تأمل و تفکر می‌شود که، آیا اسلام ایرانی الگویی برای حکومت، حکومت دینی، نظامی بالاتر از غرب است، یا اسلام ایرانی صرفاً حکومت‌گرایی نامطلوب، فاقد تضمینهای اساسی برای متهمان است؟ این محاکمه دعوی حقوقی نمونه است؛ شاخص معتبر و محک مطلوبی است که، به نحوی از انحاء، ثابت می‌کند که آیا نظام عدالت ایرانی عادلانه یا ناعادلانه است. طبق این شاخص، آنقدر که خود اسلام ایران در معرض محاکمه است، یاران ایران یا امر بهائی در ایران به محاکمه کشیده نمی‌شود.

این محاکمه آموزنده است زیرا این سؤال بنیادی را مطرح می‌کند: آیا نظام عدالت کیفری، که دستگاه و نظام اسلام ایرانی است، از نظر طرز عمل عادلانه یا غیر عادلانه است؟ هر حکم نادرستی، در باره هر یک از اتهامات مطرح شده علیه هفت بهائی، یعنی یاران ایران، به منزله حکمی خطا در مورد خود نظام عدالت کیفری تحت اسلام ایرانی است، که، به تنهایی، مسئول این نتیجه غیر عادلانه است.

ایرانپرسواچ: این مقاله نخستین در بخش انگلیسی این تارنما در پیوند زیر منتشر گردید:

[Iranian Islam, not the Yaran, on trial in the court of international opinion](#)

[1] مترجم: Quintus Septimus Florens Tertullianus (تولد حدود 155-60 – وفات حدود 245) عالم الهیات و توجیه‌گر رومی.

[2] مترجم: این کتاب در ایران به فارسی ترجمه شده و اکنون در دست ویراستاری است و امید می‌رود به زودی انتشار یابد.

[3] مترجم: مضمون کلام به فارسی چنین است: دعا و درود بر کسی [حضرت محمد] باد که به ظهورش مکه شادمان گشت و به بوی خوش جامه‌اش همه مردمان خوش‌بوی گشتند؛ اوست کسی که برای حفظ بندگان از هر آنچه که در این جهان فانی آسیب می‌رساند، بیامد. مقامش بلندتر از آن است که موجودات بتوانند وصفش نمایند یا مخلوقات بتوانند ذکرش نمایند. به واسطه وجود او سرآورده نظم در جهان بلند شد و پرچم عرفان بین مردمان به اهتزاز آمد. و [دعا و درود] بر خاندانش و اصحابش که به وجود آنها پرچم‌های یگانه‌پرستی نصب گردید و ببرق‌های فیروزی و بی‌مانندی خداوند به اهتزاز آمد. و به وجود آنها دین خدا بین خلقش بلند شد و ذکرش بین بندگان به بالاترین مدارج رسید.

[4] مترجم: این مطلب تحت عنوان “و اما مفسد فی الأرض” به فارسی ترجمه شده است.

فارسی | [Iran Press Watch](#) - محاکمه یاران تحت آئین دادرسی کیفری ایران 2 | May 6th, 2010 - 2:20 am

[...]

Add your comment

Name:

Email:

Notify me of follow-up comments via email

Submit